

دانشمند بزرگوار، متاسفانه موریاذایها به قسمتی از واژه‌های کتاب شما حمله کرده اند حرف یا حرفی از

کلمات را خورده اند. شما حرف‌ها و نقطه‌ها را دوباره بنویسید.

اگر اندکی درن... کنیم، می‌بینیم که هر کدام از این ... دیده‌ها تماشا... هی برای دیدن زیبایی های ... فرینش و ایستگاه های برای اندی...یدن هستند.

آیا می توانی صدای ... شره هایی را که در زیرزمین می ج... بند، بشنوی؟ صدای ماهی های ...الاب را چگونه؟ اگر می خواهیم عا...م را بهتر بشناسیم، یک راه ساده آن است که ... دیده‌ها را خوب تما...ا کنیم. مثلاً گ... را با ..ار. ای فرزندان بکشید در ک...ب هنر وف...یلت. چنان که فرو... آتش را هرچه تلاش کنند کم شود، باز هم ش...له ور می گردد. پس اگر بی هنر باشید، از شما دوری جویند چنان که موش، اگرچه با مردم هم خانه است، چون مو...ی است، او را از خانه بیرون اندازند.

مطالعه در طبیعت و تأمل درباره‌ی چیزهایی که هر روز می‌بینیم و از کنارشان می‌گذریم، راه مناسبی برای شناخت آنها است.

گل سرخ، لبخندی زد و گفت: از گلبرگ هایم تشکر کن؛ که سرخی، زیبایی و بوی خوش من از آن هاست.

بعضی از گوشت‌ها خشکیده و بعضی فاسد و بدبو شده بودند. طیب با خون سردی به تگه های گوشت نگاهی کرد و آن‌ها را یکی یکی بوید.

بوته‌ی کدویی در کنار چنار و بلند قامتی روید. در مدت بیست روز، قد کشید، از درخت پیچ خورد و به بالاترین شاخه‌ی چنار رسید.

فردا که بر من و تو، وزد بادِ مهرگان
آنگه شود پدید،